

دین یاتنها مکتب فضیلت

🕉 دین و فطرت !

🕉 دین و اجتماع !

🕉 دین و علم !

دین و فطرت !

بدیهی ترین چیزها برای انسان فطرت یعنی تمایلات و غرائز طبیعی او است .

سرمایه‌های درونی و ذخائر فطری که در باطن هر انسان بر طبق سنت غیر قابل تغییر پروردگار مستقر شده است و هر انسانی اگر چه پای بند و پیرو هیچ آئین و کیشی نبوده انکار اصل وجود آنها را نتواند کرد مهمترین و اساسی ترین پایه‌های وصول بکمالات و ترقی و تعالی مادیات و معنویات او میباشد و چون انسان با فطرت دست نخورده و بی آرایش خود طالب خیر واقعی و جوینده سعادت حقیقی است حب‌ذات که یکی از سرمایه‌های فطری و ذخائر الهی او است ، موجب خواهد شد که هر انسانی پیش و بیش از هر کس بخورد و سعادت خود علاقمند بوده و بالفطره عاشق خویشترن و شیفته کمالات و مقامات خود گردد .

روی همین اصل ، دین یعنی همان عاملی که تمام فطریات را با تعدیل

کامل اشباع و انسان را بمصالح واقعی آنها آشنا میکند از بدیهی ترین احساسات بشر باید شمرده شود و بعبارت دیگر فطرت سلیم و دست نخورده که در حدیث آنرا از بهترین ذخائر قرار داده است (صحّة الضمائر من افضل الذخائر) احساس احتیاج بدین صحیح را نیازمند ببران و دلیل نمیداند و از بدیهیات اولیه او محسوب میشود .

دین و اجتماع :

بر طبق اصل مذکور افرادی که مجتمع از آنها تشکیل پیدا میکند و در تأسیس و ترکیب اجتماع مؤثر و ذی سهمند : همه بمقتضای فطرت طالب فضیلت و باتکاء غریزه حب ذات برای بقاء و رقاء روز افزون خویش در تکاپو و فعالیت میباشند و چنانچه عوامل خارجی و تیرگیهای مخالف فطرت صفا و سلامت آنرا دستخوش و بازیچه خویشتن قرار نداده و همه راهها جز راه فنا و انعدام را بروی او مسدود نگردانند در کمال وضوح و روشنی باین نکته توجه خواهند نمود که شایستگی بقاء و فضیلت تنها برای اجتماعی میسر است که از مصالح صالح بنا شده و افراد آن با فطرت سلیم سروکار داشته باشند . زیرا در این صورت تردیدی نخواهد بود که بجز عامل مقدس دین ، هیچ عامل دیگری در وصول باین هدف مقدس سهم و مؤثری نخواهد داشت .

اگر دین الهی یعنی دین حنیف اسلام که بر نامه جامع الاطراف تمام شئون حیات فرد و اجتماع ، مادی و معنوی را عهده دار میباشد در بین اجتماع حکومت نکرده و جامعه ، تعلیمات این رهبر مشفق و ناصح لائق را نادیده و ناشنیده نگارد ، وضعی به از آنچه اکنون در اکثر جوامع بشری دیده میشود تحقق نخواهد داشت .

مهمترین ضربه‌ایکه از ناحیهٔ جبههٔ مخالف‌دین و لشکر مبارز با آن برپیکر انسان و انسانیت وارد خواهد آمد همان موجبات انحراف از فطرت اصیل و عوامل زیرورو کردن موازین غرائز انسان و سوق دادن بجانب افراط و تفریط و لجام گسیختگی و بی بند و باری است. زیرا که با از دست دادن فطرت اساس بهره برداری از وسائل سعادت جاوید که پروردگار متعال در اختیار هر فردی قرار داده است فرو ریخته و در نتیجه وصول بیکمال که غرض اصلی از خلقت و آفرینش انسان است لباس تحقق نخواهد پوشید.

آثار اجتماعی

اصولا اجتماع که هر فرد بناچار مانند مهره و آلتی در دستگاه عظیم آن تحت تأثیر حرکات و سکنات آن قرار دارد نیازمند بیک نظام عادلانه و عاقلانه است که ایمان به برقراری و جریان آن نظام باید در اعماق دل و جان مردم ریشه داشته باشد تا هماهنگی بین ادوات این دستگاه فراهم شود و ادارهٔ شؤون مختلفهٔ جامعه مرتب و باسانی صورت پذیر باشد، و هیچگونه زور یاز، تهدید یا تطمیع ابدان نمیتواند حتی برای زمانی کوتاه در تحصیل آثارهٔ مطلوبهٔ عقلائی جای آن نظام اجتماعی را که متمکی با اتحاد روحی افراد است بگیرد.

در حالی که گذشته از اثری که دین یعنی آن نظم صحیح بر روی روح فرد میگذارد و او را همواره با نشاطی عمیق و دلی لبریز از امید در انتظار پیروزی و سعادت جاوید، بفعالیت جمیل و امیدارد میتواند گفت تاریخ و احوال ملل شاهد است که علل پیشرفت و سیادت جوامع بشری را باید در نظام اجتماعی و قوت روح آنها جستجو کرد نه در کثرت افرادی و فور منابع سرمایه یا استعداد آنها از نظر مکان برای تمدن و تکامل و غیر

اینها از عوامل ترقی اگرچه این امور نیز در تسهیل بهره‌مندی از آن نظام اجتماعی بی‌دخالت نیست .

مردم دیندار برای خود حتی برای خواطر قلبی خویش مراقبی همیشگی و همه‌جائی دارند که کنترل او نه تنها آنان را از بی‌بند و باری در کردار و گفتار باز میدارد بلکه بجای تصورات سوء و نیات ناپسند ضمیر آنها را بایده‌های خدا پسند متمایل ، و دل‌های آنها را از خیر ابناء نوع و صلاح .

اندیشی جامعه انباشته میسازد، و حس احترام بتمام مقررات را که بصالح مجتمع وضع شده در آنها تحریک میکند .

مردم دیندار نه در حالت فقر و ناداری پا از حریم عفت بیرون می‌نهند و نه در مقام بی‌نیازی و غناء تمرد و طغیان می‌کنند ، نه در لباس کارگری خرابکاری کرده و نه در رتبه کارفرمائی ستم و اجحاف روا میدارند ، نه در دائره خدمت خیانت‌ونه بر کرسی حکومت مرتکب جنایت میشوند . مرد خانواده دیندار نه بمرود و جوانمردی هرگز پشت پامیزند و نه زن دیندار از وظیفه مقدس مادری و خدمت بشوی خویشان صرف نظر و سلطنت بر کانون خانواده و گرم کردن آن را با چیزی برابرمیشمرد ، نه جوان‌پای بند بدین ، جوانی خود را با بوالهوسی و خودسری در افتضاح محیط بسر آورده و مشت نیرومند خود را که برای نیرومند شدن ارکان اجتماع لازم است در کوفتن کوس رسوائی اجتماع کوفته مینماید و نه پیر با ایمان در دلبستگی بمادیات و شؤون حیات خشک مادی و استقبال مال و منال پیشرو و مقدم شده و قیافه ابلیس را مجسم میسازد .

مردم دیندار نه رعیتی متقلب و بدطینت و نه تاجری فاجراز آب در آیند، نه در لباس امارت دست بتاراج و غارت اموال و انفس و نوامیس زده

و نه در سلك مليت مكر و خديعت مي ورزند و خلاصه دين اجتماع را منظم خواهد نمود و نظام اجتماعي بيش و بيش از هر چيز و هر چه تصور شود در سعادت جامعه و ترقي و تعالي او دخالت مستقيم و مؤثر دارد .

كاري ترين و مؤثر ترين ضربه بر پيكر اجتماع همانا بد بيني و نفاق است ، دين و ديندار با هيچ آفت و رذيلتي همانند نفاق مبارزه پي گير ندارد تا آنجا كه دينداران اجزاء و اعضاء يك پيكر و برادران يكديگر معرفي شده اند و مهر و قهر آنها با هم علامت سعادت و شقاوت است ، دين محور يگانگي و وحدت كلمه است اجتماعي كه دين بر آن حكومت ميكند افراد آن مجتمع اگر فرضاً شخصيت آنها در حد صفر باشد ولي مانند صفری است كه در جانب عدد مثبتی قرار گرفته است .

دين و علم !

دين عاليترين مكتب آموزش و پرورش روح و جسم و تهذيب نفس و تكميل فضائل است ، دين جز اذعان بنواميس و حقايق ثابته عالم و عمل بوظائف وجداني و انساني فردي و اجتماعي نيست .

اين خود دانشي بزرگ و جامع است و لذا دين صحيح يعني دين اسلام با دانش مفيد و صالح مملأ زم و هر دو مولود توأم دستگاه آفرينش هستند بنا بر اين دين الهی اسلام تنها عامل برقراری عدالت اجتماعي و موجب تحكيم مباني فضيلت در فرد و اجتماع است در محيط اجتماع متدين ايمان شجاعت شهامت ، توكل ، اعتماد بنفس ، صداقت ، صميميت ، وفا و اتحاد ، صبر و ثبات قدم ، حق شناسي ، ايثار ، حب با استقلال ، سيادت طلبی ، مبارزه با استعمار و خلاصه عشق بفضائل و خصال پسندیده دیده شده و از رذائل اخلاقي و اوصاف مقابل با آنچه گفته شد اثری بچشم نميخورد .

عظمت و سیادت خیره کننده مسلمانان در گذشته اسلام بهترین شاهد
صدق بر این مدعا است .

در اثر وجود دین و روح هماهنگی در سایه تعالیم عالیة اسلام و اعتقاد
راسخ بمواعید قرآن مسلمین با فقدان تمام وسائل مادی بقسمت مهممی
از جهان آنروز فرمانروائی کرده و پایه گذار مدنیت و نهضت علمی
عالم گردیدند و از اینرو بزرگترین سهم مؤثر و حق عظیم نصیب آنها
و برای آنهاست .

ناگفته نماند که نقاط ضعف و آلودگیهای بیش و کمی که اکنون در
بعضی گوشه و کنار اجتماع مسلمانان بنظر میرسد در حقیقت عقب ماندگی
از تمدن جدید دلیل نقص تعالیم مقدسه این دین حنیف نیست زیرا که بر
ارباب فضل و دانش و مردم هوشمند پوشیده نیست که این عقب افتادگی
و نقاط ضعف نتیجه انحراف از تعالیم اسلام و خروج از دایره احکام آن
است .

والسلام علی من اتبع الهدی

وصیت حضرت علمی (ع)

ای حسن ! بدان که در دانشهای گوناگون ، آن دانش از
همه گرانبها تر است که نفعش بجهت توده و محیط گرانبها تر باشد .
علمی که سود نرساند و قوم را بسر منزل خوشبختی سوق ندهد
علم نیست .

از سخنان علمی (ع)